

در مکتب امام رضا (علیه السلام) با تأکید بر سنت گفتگو در بعد از گفتگو

مقدمه:

گفتگو در تاریخ انسان از سنت‌های انبیای عظام به ویژه رسول گرامی اسلام است که در سیره ائمه هدی (علیهم‌السلام) به عنوان یک سنت حسنه نبوی ادامه یافته است و امام رضا (علیه السلام) نیز در این راستا از ابزار گفتگو برای پیشبرد اهداف الهی خویش بهره برده است. در زمان ما یکی از ضرورت‌های زندگی اجتماعی گشودن باب گفتگو در داخل (گفتگوی گروه‌های مختلف سیاسی و مذهبی) و خارج (گفتگو با ادیان و مذاهب، ملت‌ها و تمدن‌های مختلف جهان) است در اهمیت این مساله در جهان امروز همین بس که سازمان ملل متحد سال ۲۰۰۱ را به پیشنهاد رئیس جمهور وقت ایران جناب حجة الاسلام والمسلمین خاتمی سال گفتگوی تمدن‌ها نامید و در سال ۱۳۷۷ مرکز بین‌المللی گفتگوی تمدن‌ها در ایران تأسیس شد. در این باره چند مساله باید مورد بحث قرار گیرد.

۱. مشروعیت گفتگو.
۲. اهداف گفتگو.
۳. روش گفتگو.
۴. طرف‌های گفتگو و مذاکره.
۵. اصول گفتگو.
۶. موانع گفتگو



علی‌اله بداشتی
(استاد دانشگاه قم)



۱. مشروعیت گفتگو در کتاب و سنت

۱-۱. در قرآن

مشروعیت این مسأله را خدای سبحان در قرآن کریم امضا کرده است.

الف: در شیوهی زندگی اجتماعی مؤمنان می‌فرماید: ﴿وَأَفْرَاهُمْ سُورَىٰ يَنبَغُهُمْ﴾^۱

ب: به پیامبر گرامی اسلام می‌فرماید در مسائل اجتماعی مهم مانند چگونگی برخورد با دشمنان، با اصحاب و یاوران خودت گفتگو کن پس از آنکه تصمیم‌گیری کار را به خدا واگذار کن و با استواری عمل کن. ﴿وَوَسَّوْهُمْ فِي الْأَمْرِ فَإِذَا عَزَمْتَ فَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ﴾^۲

ج: در سوره انفال که یکی از سوره‌های مهم قرآن در بحث جنگ با کافران سرکش و ظالم قریش است، پس از آنکه قرآن دستور به آمادگی مسلمانان از جهت عده و عده می‌دهد و می‌فرماید: «وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَمِنْ رِبَاطِ الْحَيْلِ تُرْهِبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَعَدُوَّكُمْ...» خودتان را برای مقابله با دشمن هرچه توانستید، از نیرو و اسب‌های بسته آماده کنید تا دشمنان خدا و خودتان را بترسانید در آیه بعد می‌فرماید: «وَإِنْ جَنَحُوا لِلسَّلَامِ فَاجْتَنِبْهَا وَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ» اگر دشمنان آمادگی داشتند که با تو صلح کنند تو نیز به آنان تمایل نشان بده و بر خدا توکل کن که او شنوای داناست.^۳

از این دو آیه شریفه ۶۰ و ۶۱ انفال فهمیده می‌شود که مسلمانان در عین حال که باید تجهیزات نظامی برای مقابله با دشمنان معین و نامعین آماده کنند، اما بدانند که جنگ هدف نیست و وسیله برای رسیدن به اهداف یعنی گسترش توحید و عدالت در جهان است و اگر این مسأله با صلح و گفتگو ممکن شد باید آن را انتخاب و نتیجه را به خدا واگذار کرد (وَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ). و موارد دیگر در قرآن که پیامبر گرامی اسلام را مأمور می‌کند که با حکمت (سخنان حکیمانه) و پند نیکو و مجادله احسن (یعنی مناظره و گفتگو با رعایت اصول اخلاقی برای درهم شکستن مواضع خصم) دعوت به حق بکند.^۴

۱ - ۲. سیره عملی پیامبر ﷺ

روش آن پیامبر ﷺ در برخورد با رهبران آن روز جهان و حتی دشمنان حربی دلیل بر مشروعیت گفتگو برای

رسیدن به اهداف الهی است.

پیامبرگرامی اسلام به سران کشورهای غیر اسلامی و روسای قبایل و شخصیت‌های برجسته آن روز اعم از مسیحی، یهودی، زرتشتی و... با ارسال نامه‌هایی، باب دعوت برای پذیرش اسلام را باز کرد. اکنون ۱۸۵ نامه از متون نامه‌های پیامبر که برای دعوت یا پیمان نوشته شده در تاریخ ثبت شده است. در این میان تنها خسرو پرویز ساسانی بود که به نامه پیامبر ﷺ بی‌اعتنایی و جسارت کرد و ثمره آن جنگ اعراب با ایران آن روز و شکست ایرانیان و نابودی حکومت ساسانی و پیروزی مسلمانان شد. اما در مقابل، برخی رهبران که اسلام را پذیرفتند یا هیأت‌هایی برای گفتگو با پیامبر گرامی اسلام فرستادند و حقانیت اسلام را دریافتند و پذیرفتند حکومتشان باقی ماند.

۱ - ۳. سیره ائمه اهل بیت

امیرمؤمنان ﷺ برای گرفتن حق خویش (ولایت بر حکومت جامعه اسلامی آن روز) با مخالفان گفتگو کرد و در زمان سه خلیفه اول که حق او را ستاندند دست به شمشیر نبرد حتی با کسانی که با او به جنگ برخاسته بودند یعنی ناکشین و قاسطین و مارقین بارها خودش یا اصحابش مانند ابن عباس و دیگران را برای گفتگو فرستاد و به معاویه چندین نامه نوشت تا از جنگ بین مسلمانان پرهیز کند.^۵ و در نامه حکومتی‌اش به مالک اشتر وی را از خون‌ریزی بر حذر می‌دارد.^۶

امام حسن مجتبیٰ ﷺ با آنکه به علم امامت می‌دانست معاویه به آنچه می‌گوید وفادار نمی‌ماند و نقض عهد می‌کند اما به حسب ظاهر پیشنهاد صلح می‌دهد و ورقه سفید می‌فرستد تا امام حسن مجتبیٰ ﷺ مفاد صلح‌نامه را تنظیم کند. امام صلح را می‌پذیرد تا از خونریزی و جنگ بین مسلمانان جلوگیری شود. نتیجه آنکه گفتگو با مخالفان حتی دشمنان حربی در جایی که دشمن آماده گفتگو باشد یک دستور الهی و سنت حسنه نبوی و علوی است.

امام رضا ﷺ هم بر اساس این سنت آنگاه که حسب ظاهر قدرت دوم حکومت مسلمانان در عصر خویش است، با سران ادیان و مذاهب گفتگو می‌کند و تلاش می‌کند حق و برتر بودن مکتب فکری‌اش را با سخنان حکیمانه و اندرز و مجادله احسن به اثبات برساند و با این عمل خویش

مشروعیت گفتگو را به اثبات می‌رساند.^۸

۲. اهداف گفتگو

گفتگو می‌تواند اهداف و انگیزه‌های مختلف داشته باشد:

۱ - ۲. از مهم‌ترین اهداف گفتگو در سنت الهی گسترش توحید است. خدای سبحان از پیامبرش می‌خواهد تا اهل کتاب را دعوت به توحید نماید: ﴿قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ تَعَالَوْا إِلَى كَلِمَةٍ سَوَاءٍ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ أَلَّا نَعْبُدَ إِلَّا اللَّهَ...﴾ ای اهل کتاب بیایید بر کلمه مشترکی که بین ما و شماست [گرد هم آییم] و آن اینکه جز خدا را نپرستیم.

۲ - ۲. گفتگو می‌تواند برای رسیدن به صلح جامع بین ملت‌ها و زندگی مسالمت‌آمیز همراه با احترام متقابل باشد.

۲ - ۳. گفتگو می‌تواند برای توسعه فرهنگ انسانی، ارزش‌های مشترک اخلاقی، مبارزه با مفاسد اجتماعی، توسعه عدالت جهانی و... باشد.

پس، محورهای پرشماری می‌تواند زمینه گفتگو بین پیروان ادیان و مذاهب و گروه‌های مختلف اعتقادی،

سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و... باشد. تا بر اساس گفتگو دیدگاه مشترک در مسائل مشخص شده و بر آنها تأکید گردد و محور تعامل بین افراد و جوامع قرار گیرد و زندگی اجتماعی با احترام و آرامش بیشتری به پیش برود.

۲ - ۴. گفتگو می‌تواند برای تبیین حق و هدایت و گاه برای اتمام حجت باشد که نمونه‌های آن را در سیره انبیاء و ائمه هدی و امام هشتم علیه السلام می‌بینیم که در سطور آینده با تفصیل بیشتر بررسی می‌شود.

نکته دیگر اینکه آیا در گفتگو باید یقین داشته باشیم که به نتیجه مورد انتظار می‌رسیم یا ظن قوی بر حصول اهداف مورد نظر داشته باشیم؛ اگر برای اتمام حجت و روشن شدن افکار دیگران هم باشد عقلاً، گفتگو را پسندیده و هدف از آن حاصل است. البته در جایی که

هیچیک از اهداف فوق و یا هدف عقلانی دیگر حاصل نشود گفتگو امر بیهوده‌ای خواهد بود اما وقتی یکی از اهداف فوق حاصل شود عقل و شرع حکم به گفتگو می‌کند.

۳. روش‌های گفتگو

گفتگو می‌تواند به صورت مناظره چهره به چهره یا مکاتبه نوشتاری باشد مانند گفتگوی کتبی علامه شرف‌الدین با یکی از علمای بزرگ جامعه الازهر مصر در عصر خویش، سلیم البشیری، که مجموعاً ۱۱۲ گفتگو است که ظرف ۴ سال در سال‌های ۱۳۲۹ - ۱۳۳۳ انجام شده و در کتاب با ارزش المراجعات گرد آمده است. مکاتبه‌ی آیه‌الله العظمی بروجردی با شیخ عبدالمجید سلیم و شیخ محمود شلتوت^{۱۰} از علمای بزرگ الازهر و مانند آن از این قبیل می‌باشد.

هدف از گفتگو در درجه اول باید برای بیان حقیقت و تلاش برای رسیدن به حق باشد، و طرفین گفتگو باید برای اعتلای کلمه حق تلاش نمایند. چنانکه حامد حفنی داود در مقدمه

خویش بر المراجعات می‌نویسد: ارزش و اهمیت گفتگوی شیخ سلیم البشیری و سید شرف‌الدین در این است که از سفسطه به دور بوده و طرفین با اخلاص تمام برای رسیدن به حقیقت که همان حکمت جاوید است سخن گفته‌اند.^{۱۱}

۴. طرف‌های گفتگو (با چه کسانی می‌توان گفتگو کرد)

یکی از مباحث مهم در این بحث، پاسخ به این مسأله است که با چه کسانی باید گفتگو کرد آیا با سران کفر و شرک و استکبار می‌توان گفتگو کرد؟ یا تنها گفتگو با هم‌دینان و هم‌کیشان فکری و سیاسی جایز است؟ سنت انبیاء گذشته و پیامبر گرامی اسلام و ائمه هدی بویژه امام رضا علیه السلام گویای این است که برای گسترش توحید و عدالت

■
گفتگو امری میمون و مبارک است و اسلام با قدرت استدلال می‌تواند پاسخگوی ملل دیگر باشد اما آنچه در گفتگو مهم است:

اولاً: بر اساس صداقت باشد؛ ثانیاً: طرفین در پی رسیدن به حق باشند مانند گفتگوی سید شرف‌الدین و شیخ سلیم البشیری.

ثالثاً: طرفین گفتگو در تخطب، ادب را رعایت کرده و فقط ناقد اندیشه‌های طرف باشند نه شخصی او
رابعاً: وقتی حقیقتی روشن شد، از انکار آن و مغالطه آن بپرهیزند.

■

اجتماعی و نجات انسان‌ها از ظلم و ستم و پاسداری از جان و مال مسلمین یا هرکسی چه مؤمن و چه کافر چه مستکبر و چه غیر آن گفتگو جایز است. خدای سبحان به حضرت موسی علیه السلام می‌فرماید: ﴿أَذْهَبَ إِلَىٰ فِرْعَوْنَ إِنَّهُ طَغَىٰ؛ فَقُلْ هَلْ لَكَ إِلَىٰ أَن تَزَيَّجَنِي﴾^{۱۲}

و حضرت ابراهیم با پادشاه عصرش (نمرود) در باره ربوبیت خدا مجادله احسن انجام داد.^{۱۳} و گفتگوهای دیگر انبیاء با مردم عصرشان به امید آنکه توحید را بپذیرند و هدایت شوند. گرچه بسیاری از متکبران به دعوت انبیاء گردن نهداند اما حجت بر آنها تمام شد.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله با مشرکان، یهودیان، مسیحیان و رهبران ملل آن روز که مشرک یا اهل کتاب بودند گفتگوهای بسیاری انجام داد و برخی از رهبران جسورانه برخورد کردند و برخی دیگر در مقابل حق خاضع بودند اما پیامبر به تکلیف الهی خویش عمل کرد.^{۱۴}

امام علی علیه السلام به عنوان حاکم جامعه اسلامی با پیمان شکنان و معاویه متجاوز و سرکش و خوارج بسیار گفتگو کرد تا شاید به حق برگردند و کار به جنگ نکشد.^{۱۵}

امام صادق علیه السلام با مخالفان فکری عصرش با کمال گشاده رویی گفتگو کرد. یکی از آنها مردی شامی است که امامت آن حضرت را قبول نداشت و حضرت به چند تن از اصحابش مانند حمران بن اعین و محمد بن نعمان و هشام بن سالم و هشام بن حکم امر فرمود تا با او گفتگو کنند.^{۱۶}

نتیجه آنکه گفتگو اختصاص به مومنان و جامعه ایمانی ندارد، با هرکس و هر ملت و گروهی خواه مؤمن باشند یا کافر و مشرک، خواه ظالم باشند یا مظلوم برای اهداف و مصالحی که با گفتگو می‌تواند به دست آید یا احتمال حصول هست جایز است. بنابر این هیچگاه از گفتگو کردن نباید ناامید شد.

۵. اصول گفتگو

۱ - ۵. صداقت: مهم‌ترین چیزی که یک گفتگو را به ثمر می‌رساند صداقت است. سخن گفتن طرفین است خواه طرفین دو فرد باشند یا دو گروه، دو ملت و مذهب.

۲ - ۵. عدالت: در گفتگو، طرفین ضمن جلب منافع خویش نباید در پی اضرار طرف مقابل باشند بلکه هدف این باشد که بر اساس عدل هر یک به منافع خویش نایل آیند.

۳ - ۵. اعتماد سازی: در گفتگو، طرفین باید نسبت به

یکدیگر اعتماد کنند و مطمئن باشند که طرف مقابل در پی خدعه و فریب او نیست.

۴ - ۵. تأکید بر اصول مشترک: طرفین گفتگو باید از اصول مشترک، گفتگو را آغاز و با تأکید بر مشترکات، در پی حل مسائل اختلافی باشند.

۵ - ۵. پرهیز از مغالطات منطقی: طرفین گفتگو گرچه ممکن است ناخواسته وارد مغالطات لفظی یا معنوی شوند اما مغالطه عمدی برای رسیدن به هدف شایسته نیست.^{۱۷}

۶ - ۵. رعایت آداب سخن گفتن و حفظ احترام طرف مقابل: طرفین گفتگو باید با ادب و احترام با یکدیگر سخن بگویند همان‌گونه که امام رضا علیه السلام در مناظراتش در عین استدلال محکم و نقض مواضع فکری مخالفان و صاحبان ادیان و مذاهب مختلف با ادب و احترام با آنان برخورد می‌کرد.

۶. موانع گفتگو

برخی از ناهنجاریهای اخلاقی و عصبیت‌های قومی و مانند آنها مانع تعامل سازنده و گفتگو است مانند:

۱ - ۶. خود بزرگ‌بینی و خودپسندی: کسی که خودش را برتر از دیگران می‌بیند و به تعبیر اخلاقی متکبر است و تنها دل‌باخته افکار و آرای خویش است و دیگران در نزد او کوچک و حقیر هستند حاضر به گفتگو با دیگران نیست.

۲ - ۶. عدم اعتماد: همان‌گونه که اعتماد لازم گفتگو است عدم اعتماد مانع از شکل‌گیری گفتگو است.

۳ - ۶. توهم فریبکاری: کسی که تنها خودش را صادق و دیگران را فریبکار و نیرنگ باز می‌داند نمی‌تواند با دیگران گفتگو کند.

۴ - ۶. مغالطه کاری: مجادله در گفتگو جایز است اما مغالطه جایز نیست. قرآن کریم مجادله احسن را جایز می‌داند: ﴿وَ جَادِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ﴾

۵ - ۶. عصبیت‌های قومی، ملی، مذهبی، یکی از موانع گفتگوی بین‌الادھانی و بین‌گروه‌های سیاسی، مذهبی و

■ سنت انبیاء گذشته و پیامبر گرامی اسلام و ائمه هدی بویژه امام رضا علیه السلام گویای این است که برای گسترش توحید و عدالت اجتماعی و نجات انسان‌ها از ظلم و ستم و پاسداری از جان و مال مسلمین با هرکسی چه مؤمن و چه کافر چه مستکبر و چه غیر آن گفتگو جایز است. ■

جائلیق (عالم نصرانی) حاضر می‌شود جائلیق می‌گوید: چگونه گفتگو کنم با کسی که بر اساس کتابی استدلال می‌کند که من آن کتاب را قبول ندارم و از پیامبری سخن می‌گوید که به او ایمان ندارم؟! امام رضا علیه السلام پاسخ داد: ای نصرانی! اگر با تو با انجیل مجاجه و گفتگو کنم می‌پذیری؟! جائلیق گفت: چگونه نپذیرم! امام بر این اساس گفتگو را به پیش بردند و در نهایت جائلیق با استدلال‌های محکم امام رضا علیه السلام ملزم شد سخنان حضرت را در اثبات نبوت پیامبر گرامی اسلام بپذیرد. به همین ترتیب حضرت با عالمان سایر ادیان و مذاهب گفتگو را پیش برد و بر همه آنها فائق آمد.

■ **روش پیامبر صلی الله علیه و آله در برخورد با رهبران آن روز جهان و حتی دشمنان حربی دلیل بر مشروعیت گفتگو برای رسیدن به اهداف الهی است.** ■

بین ملت‌ها و فرهنگ‌های ناشی از ملیت و قومیت، انحصار گرایی در حقانیت اندیشه و معرفت دینی و مانند آنها است. این امور مانع تحقق اصل گفتگو یا گفتگوی سازنده هستند.

بررسی برخی گفتگوهای امام هشتم به عنوان مجادله احسن

اما رضا علیه السلام چند گفتگوی مهم با رهبران ادیان و مذاهب دارد مانند:

۱. گفتگو با جائلیق (رئیس اسقف‌های مسیحی عصر خویش)
 ۲. گفتگو با رأس الجالوت دانشمند بزرگ یهودی
 ۳. گفتگو با هرئز اکبر بزرگ زرتشتیان
 ۴. گفتگو با سلیمان مروزی متکلم مشهور خراسان
 ۵. گفتگو با عمران صابی از دانشمندان صائبی مذهب آن زمان
 ۶. گفتگو با علی بن محمد بن جهم از متکلمان.
- گفتنی است که قرن سوم هجری در جهان اسلام بویژه در زمان مأمون تا واثق (۱۹۸ - ۲۳۲) از نظر رواج اندیشه‌های کلامی و فلسفی ویژگی خاصی دارد، مسلمانان با اندیشه‌های گوناگون فلسفی جهان آن روز آشنا شدند. بیت الحکمه مأمور ترجمه کتاب‌های علمی و فلسفی از ایران و یونان و سایر مراکز علمی جهان بود. متکلمان مسلمان معتزلی که به عقل‌گرایی شهرت دارند دوران طلایی خویش را سپری می‌کردند و متکلمان برجسته‌ای داشتند^{۱۸} مأمون نیز خودش گرایش به معتزله داشت. بدیهی است که امام رضا علیه السلام می‌بایست با سلاح اندیشه در این میدان حاضر می‌شد در اینجا به بررسی گفتگوی امام رضا علیه السلام با برخی متکلمان نامبرده می‌پردازیم.
- اولاً با ادب و احترام با آنان برخورد می‌کرد و از تحقیر و توهین افراد گرچه مخالف عقیده آنان بود پرهیز می‌کرد. ثانیاً با هر یک از ارباب مذاهب بر اساس مسلمات و اعتقادات پذیرفته شده و کتب‌های پذیرفته شده‌ی خودشان بحث می‌کرد با مسیحیان با استناد به اناجیل اربعه، با یهودیان با تکیه بر تورات و با سلیمان مروزی، متکلم، با تکیه بر اصول پذیرفته شده خودش سخن را آغاز می‌کرد و در نهایت طرف را مجاب می‌ساخت که عقیده او باطل است.
- مثلاً وقتی امام رضا علیه السلام در مجلس مأمون برای گفتگو با



نتیجه:

حاصل سخن آنکه گفتگو امری میمون و مبارک است و اسلام با قدرت استدلال می‌تواند پاسخگوی ملل دیگر باشد اما آنچه در گفتگو مهم است: اولاً: بر اساس صداقت باشد؛ ثانیاً: طرفین در پی رسیدن به حق باشند مانند گفتگوی سید شرف‌الدین و شیخ سلیم البشیری. ثالثاً: طرفین گفتگو در تخاطب، ادب را رعایت کرده و فقط ناقد اندیشه‌های طرف باشند نه شخصی او رابعاً: وقتی حقیقتی روشن شد، از انکار آن و مغالطه آن بپرهیزند.

منابع

* قرآن کریم

۱. اباذری، عبدالرحیم، الامام البروجردی، تحقیق محمد جاسم ساعدی، تهران مجمع‌العالمی لتقریب بین المذاهب الاسلامیه، ۱۳۸۶
۲. ابن سینا، اشارات و تنبیهات، ج ۱ (منطق)، شرح خواجه نصیر طوسی، قم، نشر البلاغه، ۱۳۷۵ ش
۳. سبحانی جعفر، تاریخ پیامبر اسلام، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۷۵
۴. شرف‌الدین موسوی، عبدالحسین، المراجعات، تحقیق حسین الرضای، قم، موسسه دارالکتب الاسلامیه، ۱۴۲۹ هـ، ۲۰۰۸ م
۵. صدوق، ابوجعفر، عیون اخبار الرضا، بیروت، موسسه الاعلمی للمطبوعات، ۱۴۰۴ هـ ۱۹۸۴ م
۶. عبده، محمد، شرح نهج البلاغه، بیروت، دارالبلاغه، ۱۹۹۲ م
۷. مفید، محمد بن نعمان، الارشاد فی معرفه حجج الله علی العباد، ترجمه سید هاشم رسول محلاتی، تهران، دفتر نشر و فرهنگ اسلامی

پانوشته‌ها:

۱. شوری، ۳۸.
۲. آل عمران، ۱۵۹.
۳. انفال، ۶۱ - ۶۰.
۴. نحل، ۱۲۵.
۵. جعفر سبحانی، فرازهای از تاریخ پیامبر اسلام، ص ۳۸۱ - ۳۸۲.
۶. نهج البلاغه عبده نامه ۲۸ و ۳۰ ص ۵۴۹ و ۵۵۶.
۷. همان، نامه ۵۳، ص ۲۰۴.
۸. صدوق، عیون و اخبار الرضا، ج ۱، ص ۱۴۱ - ۱۷۳.
۹. آل عمران، ۶۴.
۱۰. عبدالرحیم اباذری، سلسله رواد التقرب الامام البروجردی، ص ۹۸ - ۱۱۴.
۱۱. شرف‌الدین مولوی، عبدالحسین، المراجعات، مقدمه ص خ.
۱۲. النازعات، ۱۷ و ۱۸.
۱۳. بقره، ۲۸۵.
۱۴. سبحانی، پیشین، ص ۳۸۱ - ۳۸۲.
۱۵. نهج البلاغه عبده، ص ۶۴۲ - ۶۴۶.
۱۶. مفید، الارشاد، ترجمه سید هاشم رسولی محلاتی، ج ۲ ص ۲۷۲ - ۲۷۵.
۱۷. ر.ک: ابن سینا اشارات و تنبیهات ج ۱ (منطق) ص ۳۱۳ - ۳۲۰.
۱۸. صابری، حسین، تاریخ فرقی السلامی، ص ۱۳۰.